

بررسی موسیقی درونی در اشعار عامیانه کودک و نوجوان

سیده فرشته حسن‌زاده فرد^۱، مسعود سپه‌وندی^۲، علی فرداد^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: masood.sepahvandi@yahoo.com

چکیده

شعر کودک و نوجوان به عنوان گونه‌ای از ادبیات غنائی، نقشی مهم در پرورش زبان، تخیل و احساسات کودکان ایفا می‌کند. یکی از مؤلفه‌های بنیادی در جذب مخاطبان خردسال، بهره‌گیری از موسیقی درونی در ساختار شعر است؛ موسیقی‌ای که از طریق شگردهایی چون تکرار، جناس، واج‌آرایی و اعنات ایجاد می‌شود. این پژوهش باهدف بررسی نقش موسیقی درونی در اشعار عامیانه کودک و نوجوان و تحلیل شگردهای زیبایی‌آفرین آن انجام شده است. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل متون و اشعار منتخب شاعران معاصر کودک و نوجوان است. داده‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند جمع‌آوری و با تمرکز بر عناصر آوایی و آرایه‌های لفظی بررسی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تکرار آزاد و تکرار صوتی بالاترین بسامد را در اشعار بررسی شده داشته و سهم قابل‌توجهی در تولید ریتم، خوش‌آهنگی و تثبیت مفاهیم در ذهن مخاطب ایفا کرده‌اند. همچنین، کاربرد گسترده‌ی جناس و واج‌آرایی موجب ایجاد بازی‌های زبانی، افزایش جذابیت شنیداری و تحریک خلاقیت کودکان شده است. اعنات نیز به عنوان شیوه‌ای برای تقویت طنین و روانی شعر، در بسیاری از نمونه‌ها به‌کاررفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موسیقی درونی نه تنها در ارتقاء زیبایی‌شناسی شعر کودک نقش دارد، بلکه عاملی مؤثر در تقویت مهارت‌های زبانی، تسهیل فرآیند یادگیری و ارتباط عاطفی با مخاطب است. این یافته‌ها بر اهمیت توجه شاعران کودک به شگردهای موسیقایی و استفاده آگاهانه از آن‌ها در سرایش شعر تأکید می‌کند.

کلیدواژگان: اشعار عامیانه، کودک و نوجوان، موسیقی درونی، تکرار، جناس



شیوه‌نامه: حسن‌زاده فرد، سیده فرشته، سپه‌وندی، مسعود، فرداد، علی. (۱۴۰۳). بررسی موسیقی درونی در اشعار عامیانه کودک و نوجوان. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۲)، ۵۴-۶۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

The Treasury of Persian Language and Literature

An Investigation of Internal Music in Folk Poems for Children and Adolescents

Seyedeh Fereshteh Hassanzadeh Fard ¹, Masoud Sepehvandi ^{2*}, Ali Fardad ³

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

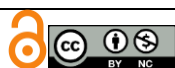
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

*Corresponding Author's Email: masood.sepehvandi@yahoo.com

Abstract

Children's and adolescents' poetry, as a form of lyrical literature, plays a significant role in the development of language, imagination, and emotions in young readers. One of the fundamental components in attracting young audiences is the use of internal music within the structure of the poem—music that emerges through techniques such as repetition, paronomasia (pun), alliteration, and assonance. This study aims to examine the function of internal music in folk poems for children and adolescents and to analyze the aesthetic strategies employed in this genre. The research method is descriptive-analytical, based on textual analysis of selected poems by contemporary poets in the field of children's and adolescents' literature. Data were collected through purposive sampling and analyzed with a focus on phonetic elements and rhetorical devices. The findings of the study revealed that free repetition and phonetic repetition had the highest frequency in the poems analyzed and contributed significantly to the creation of rhythm, euphony, and conceptual retention in the audience's mind. Moreover, the widespread use of paronomasia and alliteration led to the creation of linguistic playfulness, enhanced auditory appeal, and stimulated children's creativity. Assonance was also frequently used as a technique to reinforce the resonance and fluidity of the poem. The results of this study indicate that internal music not only enhances the aesthetic dimension of children's poetry but also serves as an effective factor in strengthening language skills, facilitating the learning process, and fostering emotional connection with the audience. These findings underscore the importance of children's poets paying attention to musical techniques and employing them consciously in the composition of poems.

Keywords: folk poetry, children and adolescents, internal music, repetition, paronomasia



How to cite: Hassanzadeh Fard, S. F., Sepehvandi, M., Fardad, A. (2024). An Investigation of Internal Music in Folk Poems for Children and Adolescents. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(4), 54-69.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2024-06-02

Revise Date: 2024-07-23

Accept Date: 2024-08-05

Publish Date: 2024-09-21

مقدمه

شعر یکی از کهن‌ترین اشکال بیان هنری است که با زبان موسیقایی خود، همواره نقش مهمی در انتقال احساسات، ارزش‌ها و تجارب انسانی ایفا کرده است. در این میان، موسیقی درونی شعر، یعنی هماهنگی‌های آوایی میان واج‌ها، واژگان، ساختارها و آرایه‌های بلاغی، نقشی بی‌بدیل در ایجاد جذابیت شنیداری و اثرگذاری عاطفی بر مخاطب دارد (1, 2). به‌ویژه در اشعار عامیانه کودک و نوجوان که مخاطبان آن حساسیت بیشتری نسبت به آهنگ، ریتم و تکرار دارند، نقش موسیقی درونی چشمگیرتر و حیاتی‌تر است. ادبیات فارسی در طول تاریخ خود، همواره میان سه گونه‌ی اصلی حماسی، نمایشی و غنایی تقسیم‌بندی شده است. واژه‌ی «غنا» که ریشه در زبان یونانی باستان و ادبیات اروپایی دارد، بعدها به ادبیات فارسی و عربی نیز راه یافته است (3, 4). آثار غنایی، به طور سنتی پاسخ‌های فوری و احساسی انسان به تجربیات زندگی را بازتاب می‌دهند و زبان این گونه‌ی ادبی، اغلب آهنگین، لطیف و مبتنی بر استعاره و تصویرسازی‌های حسی است (1). با گسترش مطالعات در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، مشخص شد که اشعار این حوزه نه تنها به انتقال مفاهیم آموزشی و تربیتی می‌پردازند، بلکه از لحاظ زیبایی‌شناسی نیز ساختارهای زبانی ویژه‌ای دارند که به طور خاص بر موسیقی درونی تکیه دارند (5, 6). اهمیت موسیقی درونی در این اشعار، نه تنها در ایجاد جذابیت شنیداری برای کودکان، بلکه در کمک به تثبیت زبان، تقویت حافظه و پرورش تخیل کودکان آشکار است. موسیقی درونی به‌عنوان بخشی از زیبایی‌های زبان در اشعار کودک، بیشتر بر پایه‌ی تکرار واج‌ها، واژگان، جناس، اعنات و سایر آرایه‌های لفظی استوار است. برخلاف موسیقی بیرونی (وزن عروضی) و موسیقی کناری (قافیه و ردیف)، موسیقی درونی بر هماهنگی‌های ظریف و پنهان در سطح کلمات و آواها تمرکز دارد و از این رهگذر تأثیر عمیقی بر روان مخاطب می‌گذارد (1, 2). پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که در متون

غنایی و به‌ویژه در اشعار عامیانه، تکرار آزاد، تکرار صوتی و استفاده خلاقانه از جناس، نقش محوری در تولید موسیقی درونی دارند (7, 8). همچنین مطالعات معاصر، مانند کارهای فاطمه شفیعی‌تبار و مدرس‌زاده (۱۳۹۷) نشان داده‌اند که موسیقی درونی در شعر نه تنها جنبه‌ی زیبایی‌شناختی دارد، بلکه به ایجاد انسجام ساختاری و تقویت تجربه‌ی معنایی شعر نیز کمک می‌کند (9). در این راستا، تکرار واج‌ها، ترکیبات واژگانی خلاقانه و استفاده‌ی هدفمند از آرایه‌هایی چون جناس و اعنات، ابزارهایی کلیدی برای تولید ریتم و آهنگ درونی در شعر کودک هستند (5, 10). با توجه به اینکه کودکان در مراحل نخستین رشد زبانی خود، بیش از آنکه به معنا توجه کنند، به آهنگ و ریتم واژگان حساس هستند، اهمیت موسیقی درونی در شعر کودک دوچندان می‌شود (6). شاعر کودک، آگاهانه یا ناخودآگاه، از تکنیک‌های موسیقایی بهره می‌برد تا زبان شعر را به زبانی شنیدنی، جذاب و ماندگار تبدیل کند. بر همین اساس، هدف از پژوهش حاضر، تحلیل ساختارهای موسیقی درونی در اشعار عامیانه کودک و نوجوان است. این تحلیل با تمرکز بر مهم‌ترین شگردهای آوایی از قبیل تکرار آزاد، واج‌آرایی، انواع جناس و اعنات صورت می‌گیرد تا مشخص شود چگونه این عناصر به افزایش تأثیر عاطفی، تقویت زیبایی‌های زبانی و ارتقاء کیفیت آموزشی این اشعار کمک کرده‌اند. این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نمونه‌های متنوع از اشعار معاصر کودک، به بررسی نقش زیباشناختی موسیقی درونی در ادبیات کودک خواهد پرداخت. در نهایت، شناخت دقیق این شگردهای موسیقایی می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای شاعران کودک، مربیان ادبیات کودک و پژوهشگران حوزه‌ی زبان و ادبیات فارسی باشد تا در تولید آثار هنری کودکان‌ای که هم از نظر ادبی و هم از نظر تربیتی غنی باشند، موفق‌تر عمل کنند.

مبانی نظری

موسیقی شعر

موسیقی همواره با شعر در پیوندی ناگسستنی قرار داشته و به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از ساختار زیبایی شناختی آن مطرح شده است. در ادبیات فارسی، به ویژه در گونه‌ی غنایی که متون آن غالباً مبتنی بر احساسات و عواطف انسانی است، موسیقی شعر جایگاهی برجسته دارد. موسیقی شعر به طور کلی به چهار دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شود: موسیقی بیرونی، موسیقی کناری، موسیقی درونی و موسیقی معنوی. «موسیقی بیرونی» به وزن عروضی شعر اشاره دارد؛ نظمی که بر اساس طول و کوتاهی هجاها و کشش‌های آوایی واژگان شکل می‌گیرد و در سراسر شعر امتداد می‌یابد. به عبارت دیگر، موسیقی بیرونی نظمی است که در چارچوب قواعد عروضی برقرار شده و به آثار حماسی و غنایی فارسی ساختار ریتمیک منظم می‌بخشد (1). برای مثال، تمام اشعاری که در بحر متقارب سروده شده‌اند، دارای یک موسیقی بیرونی مشابه هستند. «موسیقی کناری» حاصل تکرار آگاهانه‌ی صداها در انتهای ابیات یا مصراع‌هاست و در قالب قافیه و ردیف متجلی می‌شود. این نوع موسیقی به ایجاد پیوستگی و انسجام در متن کمک کرده و به خواننده امکان می‌دهد آهنگ شعر را به شکلی منظم و گوش‌نواز دنبال کند. تکرار واحدهایی چون واژگان، پسوندها یا عبارات در انتهای مصراع‌ها، همانند ساختار قافیه و ردیف در غزل‌ها، نمونه‌هایی از موسیقی کناری محسوب می‌شود.

«موسیقی درونی» در لایه‌های ظریف‌تری از متن جریان دارد و مبتنی بر روابط آوایی میان واژگان، تکرار اصوات، واج‌آرایی، جناس و ترکیبات موسیقایی دیگر است. این نوع موسیقی نه بر وزن عروضی و نه صرفاً بر قافیه متکی است، بلکه از هم‌نشینی هنرمندانه‌ی اصوات و کلمات حاصل می‌شود و حس خوش‌آهنگی را به صورت درونی به مخاطب القا می‌کند (1). صورت‌گرایان روس اصطلاحاتی چون «ارکستراسیون زبانی» را برای توصیف این نوع هماهنگی به کار برده‌اند. «موسیقی معنوی» به روابط معنایی پنهان در متن مربوط می‌شود. تضاد، طباق، مراعات نظیر، ایهام و

تشابهات ذهنی از جمله عناصری هستند که به ایجاد موسیقی معنایی کمک می‌کنند. این نوع موسیقی موجب شکل‌گیری لایه‌های متعدد معنایی در شعر شده و ارتباطات پنهان میان عناصر معنایی را آشکار می‌سازد. از میان این چهار نوع موسیقی، موسیقی درونی به دلیل ماهیت پیچیده و ظرفیتش در اشعار کودک و نوجوان اهمیت بیشتری دارد. کودکان در مراحل اولیه‌ی رشد زبانی خود، به آهنگ واژگان، ریتم و تکرار حساس‌تر از معنا هستند. از این رو، استفاده از تکنیک‌های موسیقی درونی چون تکرار واج‌ها، واژگان، جناس و اعنات، باعث جذب بیشتر کودک و تثبیت مفاهیم در ذهن او می‌شود (1، 6).

تکرار، به عنوان یکی از ارکان اساسی موسیقی درونی، نقش ویژه‌ای در ایجاد ریتم و تأکید بر معانی در اشعار کودک دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تکرار واژگان، عبارات و حتی ساختارهای نحوی در اشعار کودکان موجب افزایش زیبایی آوایی و تثبیت اطلاعات می‌شود (8، 11). تکرار می‌تواند به صورت آزاد، تکرار صوت، تکرار واژه، تکرار مصراع یا تکرار ساختار نحوی ظاهر شود. «جناس» نیز از دیگر ابزارهای قدرتمند موسیقی درونی است. جناس انواع متعددی دارد: جناس تام، جناس ناقص، جناس خطی، جناس زاید و جناس مکرر (12، 13). در اشعار کودکان، استفاده از جناس باعث ایجاد بازی‌های زبانی، افزایش لذت شنیداری و تقویت ارتباط حسی کودک با متن می‌شود. جناس در بسیاری از اشعار عامیانه، به ویژه در لالایی‌ها و ترانه‌های کودکان، حضوری پررنگ دارد. «اعنات» یعنی کاربرد افزون حروف یا کلمات بی‌ضرورت ظاهری برای تقویت موسیقی درونی، نیز یکی از شیوه‌های برجسته در این حوزه است (5، 10). اعنات معمولاً با هدف تأکید عاطفی و ایجاد تأثیر زیبایی شناختی در شعر کودکان به کار می‌رود. واژگان ترکیبی نیز نقش مهمی در غنای موسیقی درونی دارند. زبان فارسی، با دارا بودن بیش از ششصد هزار ترکیب و ظرفیت بالای ترکیب‌سازی، امکان ایجاد واژگان خوش‌آهنگ و

پرمعنا را در اختیار شاعران قرار می‌دهد (14). شاعران کودک با انتخاب هوشمندانه‌ی واژگان و ترکیبات آهنگین، بر قدرت شنیداری شعر می‌افزایند. محققانی چون شفیع کدکنی (۱۳۸۹) تأکید کرده‌اند که موسیقی درونی در شعر کودک نه تنها موجب ایجاد زیبایی آوایی می‌شود، بلکه انسجام معنایی، تصویرسازی و حتی آموزش غیرمستقیم مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را تسهیل می‌کند (1). از سوی دیگر، لارنس پرین (۱۹۹۷) نیز با اشاره به ارتباط میان زبان شعر و موسیقی، بر اهمیت طنین حروف و ریتم واژگان در ایجاد تأثیرات عاطفی و ذهنی در خواننده تأکید کرده است (15). در مجموع، ادبیات کودک و نوجوان، با توجه به نیازهای ویژه‌ی روان‌شناختی و زبانی مخاطبانش، بیش از سایر حوزه‌های ادبی بر استفاده‌ی مؤثر از موسیقی درونی متکی است. شناخت دقیق این ساختارها، نه تنها به شاعران در خلق آثار موفق‌تر کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی زبان و ادبیات کودک نیز نقش مؤثری ایفا نماید. بر این اساس، تحلیل دقیق عناصر موسیقی درونی در اشعار عامیانه کودک و نوجوان، موضوع اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. این تحقیق می‌کوشد با تمرکز بر آرایه‌هایی نظیر تکرار، جناس، اعنات و واج‌آرایی، نقش و اهمیت این شگردهای آوایی را در افزایش گیرایی، زیبایی‌شناسی و اثربخشی اشعار کودکانه بررسی نماید.

شعر عامیانه

ادبیات عامه که در زبان انگلیسی به آن «Folklore» می‌گویند، مرکب از دو جزء است: lore: به معنی مردم، گروه، توده؛ و Folk به معنی دانش و فرهنگ می‌باشد که در فارسی آنرا به «فرهنگ توده»، «فرهنگ عامه» و «دانش عوام» ترجمه کرده‌اند. در اصطلاح به مجموعه افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، لغزها، چیستان‌ها، رقص‌ها، پیشگویی‌ها، اعتقادات و مراسم در مورد تولد، مرگ، ازدواج، کشاورزی، پیشگیری و معالجه بیماری‌ها و به طور کلی آداب و رسوم و عقاید رایج در میان جوامع گوناگون که به صورت

شفاهی یا از طریق تقلید و تکرار از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، اطلاق می‌گردد (16). اشعار عامیانه نوعی ادبیات منظوم شفاهی برگرفته از فرهنگ عامیانه و احساسات و تجربیات و اصول اخلاقی مردم و حاصل میراث کهنی است که در طول قرن‌ها از گذشتگان به آیندگان و از نسلی به نسل دیگر رسیده و توسعه و تحول یافته است. عناصر ادب عامه از صمیمیت و صداقت خاصی برخوردارند و عاطفه سیالی در آن‌ها تعبیه است. شاعران اصیل و توانمند، در پناه چنین دریافتهایی است که با کاربست این عناصر، کشش و گیرایی آثار خود را بالا می‌برند و بر مخاطبان حرف‌های و واقعی شعرشان می‌افزایند (17). شعر در ادبیات رسمی ما در قالب‌های متعدد قصیده، غزل، قطعه، دوبیتی و... سروده می‌شود. در سرایش شعرهای عامیانه هم این قالب‌های متعدد به کار می‌روند اما برای مثال اگر در دوره‌ای در ادبیات رسمی ما بیشتر قصیده سروده شده در نقطه‌ی مقابل آن شعر عامیانه بیشتر در قالب دوبیتی بوده است. دوبیتی قالب محبوب شعر عامیانه‌ی فارسی است چون به علت کوتاهی هم ساده‌تر سروده می‌شود و هم بهتر در خاطر باقی می‌ماند. تصنیف‌های عوامانه هم اهمیت زیادی دارند و متناسب با هر اتفاق سیاسی و اجتماعی خاص در جامعه سروده می‌شدند. نوحه‌ها هم نوعی تصنیف عوامانه محسوب می‌شوند (18). در ایران نیز با توجه به قدمت تاریخی و فرهنگی و نیز تنوع اقوام ذخیره غنی از ادبیات عامیانه موجود می‌باشد که شاعران در سرودن شعر برای کودکان از این ذخایر غنی بهره برده‌اند. پرداختن به لالایی‌ها، بازی‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، چیستان‌ها و... در شعر کودک گذشته از جنبه‌های سرگرم‌کننده و وجوه زیبا شناختی، انعکاسی از سنن زندگی مردم و باورهای دینی و اخلاقی و گاه برداشت‌های فلسفی و حکمی نیز می‌باشد (19). در واقع شعر عامیانه کودک نوعی از شعر است که با زبان ساده، روان و محاوره‌ای برای گروه سنی کودک سروده می‌شود. در این گونه شعرها، از واژگان آشنا، ساختارهای زبانی نزدیک به گفتار روزمره

و لحنی صمیمی استفاده می‌شود تا کودکان بتوانند به راحتی با متن ارتباط برقرار کنند. شعر عامیانه کودک معمولاً دارای وزن و آهنگی مشخص و دلنشین است که باعث می‌شود کودکان به آسانی آن را به خاطر بسپارند و با آن همراهی کنند. موضوعات این اشعار اغلب شاد، بازیگوشانه و متناسب با دنیای ذهنی کودکان انتخاب می‌شود؛ مانند حیوانات، بازی‌ها، دوستی، خانواده و آرزوهای کودکانه (18).

از ویژگی‌های مهم شعر عامیانه کودک می‌توان به طنز ظریف، ریتم پرتحرک، تصویرسازی‌های زنده و تاکید بر احساسات ساده و بی‌واسطه اشاره کرد (18). این نوع شعر نه تنها به تقویت زبان و تخیل کودکان کمک می‌کند، بلکه وسیله‌ای برای ایجاد شادی، سرگرمی و آموزش غیرمستقیم در فضای کودکانه است. به همین دلیل، شعر عامیانه کودک جایگاه ویژه‌ای در ادبیات کودک دارد و همواره مورد توجه شاعران کودک و نوجوان بوده است.

بحث و بررسی

تکرار واژه

یکی از شگردهای سودمند هنری و «یکی از مختصات زبان ادبی تکرار است هم به لحاظ زبان (تکرار واک، هجا، کلمه، جمله) هم به لحاظ معنی وزن و قافیه و ردیف و صنایع بدیع لفظی از مظاهر این تکرار هستند.» (20). اگرچه تکرار در بحث فصاحت از عیوب کلام به شمار می‌رفته است؛ اما در واقع این اعتقاد نشانه عدم توجه به نقش‌های زبان است و در زبان عاطفی، تکرار، لازمه هنرآفرینی و خلاقیت هنرمند است. «تکرار یکی از شگردهای زیبایی‌آفرین کلام است. تکرار زیباست زیرا تکرار یک چیز یادآور «تکرار در زیبایی‌شناسی در خود آن است و دریافت این وحدت شادی‌آفرین است.» (11) هنر از مسائل اساسی است.» (21). این تکرارها می‌تواند تکرار واج‌ها باشد که همان نغمه حروف یا واج‌آرایی را ایجاد می‌کند و هم می‌تواند تکرار در لفظ باشد. تکرار، به عنوان یکی از ارکان موسیقی درونی شعر، در جمال‌شناسی شعر نقش

بسیار مهمی ایفا می‌کند و در تحلیل سبک فردی یک شاعر نیز اهمیت دارد. تمامی هنرهای قدیم بر اساس تکرار شکل گرفته‌اند و ادبیات (شعر) نیز به عنوان یک هنر از تکرار بهره‌مند شده است. تکرار یکی از ترفندهایی است که در کتب بلاغی و بدیعی به طرز گوناگون مورد بحث قرار گرفته است. بالین حال، در ادب فارسی پس از اسلام، به خصوص تحت تأثیر نثر عربی، از تکرار پرهیز شده و آن را جزء عیوب سخن می‌دانسته‌اند (10). تکرار، عنصر اساسی در ایجاد توازن و جنبه موسیقایی کلام است. این امر، به نظر قدیمی‌ترین نقادان، در زمینه فصاحت از جمله عیوب کلام محسوب می‌شده است. احتمالاً دلیل این نظر به بی‌وجهی آنان به نقش‌های مختلف زبانی و آمیختگی این نقش‌ها با یکدیگر بازمی‌گردد. زبان به عنوان یک وسیله مهم، علاوه بر انتقال اخبار، مسئولیت ارائه احساسات و عواطف انسان را نیز بر عهده دارد. بر اساس نظرات افراد متقدم، اگرچه تکرار به عنوان یک نقص در فصاحت در نظر گرفته شده است، اما این نقص مرتبط با زبان اطلاع‌رسانی و نه زبان عاطفی است؛ زیرا در زبان عاطفی، مسئله انتقال اخبار به مفهوم نیست و به‌جا به نمایش گذاشتن احساسات با کلمات می‌پردازد. در این زمینه، تکرار یکی از ابزارهای حیاتی برای بیان احساسات شدید به شمار می‌آید. همچنین، تاریخچه نشان می‌دهد که موسیقی و حتی شعریت با تکرار رابطه دارد. این تکرار شامل تکرار حروف، کلمات، گروه‌ها، جملات، وزن و دیگر عناصر است. فرهنگ‌های مختلف نیز تکرار را به عنوان ابزار اساسی برای وحدت بخشیدن به اشعار معرفی کرده‌اند. این تکرار ممکن است منجر به تقویت، تکمیل یا حتی جانشین شدن وزن گردد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۲۱). شاعران ترانه‌های کودکانه از عنصر تکرار بهره‌های فراوان برده‌اند و این را به وضوح در اشعارشان می‌توان مشاهده کرد و در بسیاری از این اشعار، تکرار به منظور تأکید و یا ایجاد جذابیت کلام به کار رفته است. تکرار واژه یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تکرار در این اشعار است.

شعر به مثابه یک هنر کلامی، تنها به تخیل و قافیه محدود نمی‌شود، بلکه عمده ترکیبات آن از ساختارهای خاص زبانی نشأت می‌گیرد. واژه‌ها از جمله مهم‌ترین این ساختارها به شمار می‌روند. واژه‌های به کار رفته در شعر نقش مهمی در زیبایی‌سازی آثار شاعرانه دارند و شاعران خوش ذوق و خلاق با بهره‌گیری از آن‌ها، خلاقیت خود را به نمایش می‌گذارند. این خلاقیت از طریق انتخاب و هم‌آیندی درست واژگان به تصویر کشیده می‌شود. «الیوت، شاعر و منتقد انگلیسی معتقد است که کلمه خوب یا بد در شعر وجود ندارد، این جای کلمات است که ممکن است خوب یا بد باشد؛ یعنی این در ترکیب و نسج یا نظام شعر است که کلمات خود را نازیبا نشان می‌دهند و گرنه همان الفاظ نازیبا اگر به‌جای خود نشسته باشند، در نظام شایسته شعر، زیباترین جلوه‌ها را خواهند داشت» (5) تکرار در اشعار عامیانه برای کودکان به شکل‌های مختلف دیده می‌شود از جمله: تکرار آزاد و انواع جناس. تکرار به‌صورت آزاد و پراکنده در اشعار عامیانه کودک. به‌عنوان مثال در شعر زیر:

«پسر دارم ملک جمشید دختر دارم ملک خورشید
ملک جمشید به شماره ملک خورشید به گهواره
به گهواره سه مرواری کمر بندش طلاکاری»

واژگان ملک ۴ بار، دارم، خورشید، جمشید و گهواره هر کدام ۲ بار در این قطعه ترانه لالایی تکرار شده‌اند.

و در این شعر:

«کچل، کچل کلاچه/روغن کله‌پاچه
کچل رفته به اردو/برای نصف گردو
گردو رو آبش برده/کچله رو خوابش برده.»

واژگان، کچل ۴ بار و گردو و برده هر کدام دو بار تکرار شده‌اند که همان گونه که ذکر شد برخی از این تکرارها عامداً و به‌منظور

ایجاد نوعی طنز و مطایبه در این گونه از اشعار عامیانه به‌کاررفته است.

«فرش اتاق خاله/پشم تن بزغاله
شمع اتاق خاله/از پیای بزغاله
مرواریدهای خاله/دندونای بزغاله
جاروی اتاق خاله/از ریشای بزغاله»

در شعر عامیانه فوق (7) که به نظر می‌رسد مخاطبان آن کودکان بوده باشند، کلمات خاله و بزغاله هر کدام ۴ بار تکرار شده‌اند و این تکرار، زیبایی و اثربخشی شعر را بیشتر کرده است.

جناس

هرچند کاربرد چنان تام در اشعار عامیانه کم است؛ اما به مواردی می‌توان اشاره کرد.

در شعر بارون میاد جر جر (22)

«بچه خسه مونده/چیزی به صب نمونده و در این شعر وقتی که مردا پاشن/ابرا زهم می‌پاشن»

و در شعر زیر (23):

«بر روی گل مریم / یک قطره شبنم بود
لبخند زد و بو کرد/مریم گل مریم را
از عکس خودش پاک کرد/آن قطره شبنم را»

در کلمات مونده و نمونده حرف ن، معنی را عوض کرده و در بیت دوم پاشن در مصراع اول به معنی بلند شوند و در مصراع دوم به معنی از هم گسیختن است که البته این جناس بر زیبایی کلام نیز افزوده است. همچنین واژه مریم در دو معنی اسم انسان و نام یک گل به‌کاررفته است.

جناس خط

میان اولین نمونه‌های شعر کودک در ایران از جمله آقای کیانوش دیده می‌شود.

جناس زاید

در جناس زاید یکی از کلمات متجانس نسبت به دیگری یک واک یا وا‌هایی در آغاز یا وسط یا آخر اضافه دارد (28) در اشعار زیر (29)

«توی چشم چشمه / عکس خنده / ایست

خنده‌ای هم‌رنگ خنده‌های انار

دست‌دست دست / دسته / ابر سفید

بر سر گل‌های باغ / چادر باران کشید (26)

واژه‌های چشمه و چشم و دسته و دست دارای جناس زاید هستند که واژه‌های چشمه و دسته واک پایانی زایدی دارند.

جناس زاید در وسط

ننه دریا کج و کوچ / بد دل و لوس و لجوج / جادو در کار می‌کنه (22)

کج و کوچ با هم جناس دارند و جناس وسط در واژه کوچ وجود دارد.

تکرار واج

شعر را برای شنیده‌شدن می‌نویسند؛ یعنی آواها نیز به اندازه نوشته‌ها، در انتقال معانی نقش دارند (15). حتی شکل بعضی از حروف یا کلمات می‌تواند یاری‌گر معنای شعر باشد. واج‌آرایی یعنی «هم‌آوایی ناشی از تناسب صامت‌ها و مصوت‌ها در زنجیره کلام» (2) تکرار واج در مبحثی به نام واج‌آرایی یا هم‌حروفی این تکرار به طور عمده در خدمت در تقویت بار موسیقایی زبان است.

این جناس به جناس « مصحف » نیز معروف است و به گونه‌ای است که ارکان جناس در کتابت یکی و در تلفظ و نقطه گذاری مختلف باشند؛ مانند کلمات بیمار تیمار و پیر و تیر (12) غرق عرق در شعر زیر پاشید (24):

«پدر مثل اناری ترش و نارس / صدایش در سکوت خانه ترکید

تنم از خستگی غرق عرق شد / به روی گونه‌هایم بغض»

جناس مکرر

گرکانی گفته است: جناس مکرر «آن است که متجانسین از هر نوع جناس که باشد مقرون به یکدیگر باشند بی فاصله». (13). همایی در باره این جناس نوشته است: «جناس مکرر، گونه خاصی از جناس نیست؛ بلکه زمانی که پایه‌های جناس کنار یکدیگر قرار گیرند، آن را مکرر دانسته‌اند. پس جناس‌هایی که پشت سرهم قرار گرفته‌اند، می‌توانند جناس مکرر به حساب آیند». (12). توالی این جناس کلام را هنری‌تر می‌کند. «جناس مکرر را جناس مزدوج و جناس مردد هم می‌گویند». (25). جناس مکرر که آن را جناس مزدوج نیز می‌گویند، آن است که دو رکن جناس را در آخر سجع‌های نثر یا در آخر ابیات پهلوی هم آورده باشند (26):

«گاهی نگاه‌ی / بر خاک می‌کرد

خشکی دلش را / غمناک می‌کرد»

در شعر زیر (27)

«تو شهر من یه کوهه / یه کوهه با شکوهه

اسم اون طاق‌بستان / دوروبرش گلستان»

در شهر اول کلمات گاهی و نگاهی و در نمونه شعر دوم کلمات کوهه و شکوهه جناس مکرر یا مزدوج دارند که در اشعار عامیانه نمونه‌های جناس مکرر یا مزدوج کمتر به چشم می‌خورد؛ ولی در

بسیاری از شاعران در شعر خود از آن بهره برده‌اند. در اشعار عامیانه و کودک و نوجوان نمونه‌های فراوانی از این گونه تکرار وجود دارد که از دیدگاه مباحث زیبایی‌شناسی کلام قابل تأمل‌اند، این تکرار نیز نوعی هنجارگریزی در محور زبان ایجاد می‌کند (28)

تکرار واج چ:

دیدم که چک‌چک می‌چکد/ در دست‌های سرد جو

او می‌چکید و نم‌نمک/ من خیس خوردم مثل او (30)

تکریر یا تکرار واژه

تکریر نوع دیگری از تکرار واژه است که آن را مکرر هم گویند. «این صنعت چنان است که کلمه را مکرر کنند یا بیشتر از دو بار برای تأکید یا تعظیم یا انذار و تنبیه و...» (31). یکی از منتقدان ادبی معاصر اعتقاد دارد: «اگرچه تکریر از خانواده جناس نیست، به لحاظ نقش موسیقایی می‌تواند همان وظیفه را عهده‌دار شود و آن موردی است که کلمه به یک معنی دو بار در شعر بیاید که نوع مبتذل آن کار همه‌کس است و نوع خلاق آن دشوار دیده می‌شود» (5). این نوع تکرار را از دسته تکرارهای طبیعی می‌دانند (7).

«زرد و زرد/ طلا، طلا/ برگ درختان/ سرد و سرد/ باد خزان/ توی گلستان/ برگ و برگ/ توی هوا/ مثل پرنده/ باد و باد/ سوی زمین/ مثل خزننده/ کلاغی بر لب ایوان/ دنگ و دنگ/ خبر، خبر/ زنگ دبستان» (32)

تکرار واژگان در شعر بالاتر از اصلی هنجارگریزی زبانی است که در خدمت تقویت موسیقی زبان است. علاوه بر آن کاربرد این ترکیب‌های ناشی از تکرارهای مزدوج به ایجاد قالبی متشکل از مصراع‌های سه‌تایی منجر شده است که نوعی ریتم شاد و کودکانه را به شعر اضافه نموده و آن را به نوعی تصنیف یا ترانه تبدیل کرده است. به عبارت دیگر، عامل اصلی در تبدیل نظم به شعر، در شعر بالا، شگرد زیبایی‌آفرین تکرار واژگان است.

«شاخه در شاخه و برگ در برگ / سایه بر سایه چون کوه بر کوه/ برگ بر برگ / بسیار، بسیار/ شاخه بر شاخه / انبوه، انبوه» (33)

اعنات

اعنات، در جایگاه خود، به کاربردن واژه‌ها یا حروفی اشاره دارد که به لحاظ فنی ضرورتی ندارند. نخستین نمونه از اعنات، استفاده بیش از حد حروف در قافیه است که به زیبایی صدایی شعر می‌افزاید. دومین نمونه، تکرار واژه یا واژه‌هایی در تمام ابیات یک شعر است که برخی آن را نشانه‌ای از جنون تلقی می‌کنند و معتقدند که «دور از حوزه‌های معنوی و صوتی است» (5). با این حال، این نوع تکرار در دیوان بسیاری از شعرا به چشم می‌خورد و شاعران آن را برای القای معانی خاص به کار می‌برند. این تکرار، بازتابی از هیجانات شاعر است و بین عواطف شدید و تکرار واژگان رابطه‌ای طبیعی برقرار است. «به گفته لیچ، تکرار در لحظات هیجان زدگی شدید، تقریباً غیرارادی می‌شود» (7)؛ بنابراین، وقتی تکرار به‌طور طبیعی و با اهداف خاص در متن شعر جاری شود، می‌تواند زیبایی‌های بیشماری به آن بیفزاید (25). «این صنعت شعری از تکرار الفاظ در محل‌های نامعین صحبت می‌کند. به این جهت ارزش بلاغی لفظ مکرر در این صنعت بیش از جنبه صوتی آن است» (10).

«من پر شکوهم / کوهم/ رودی به دامن دارم / در سینه‌ام همیشه / خورشیدی روشن دارم/ من پر سرودم/ رودم/ می‌پیچم در بهاران / با نغمه‌های شادی/ از پای کوهساران/ می‌تابم/ آفتابم...» (34)

در شعر بالا واژگان شکوهم، کوهم، سرودم رودم، می‌تابم آفتابم، همچنین در این شعر:

«بیل و بیل و بیلچه / گل‌ها کاشتند تو باغچه

یاس، یاس یاسمن/ عطرش میاد واسه من

چین، چین دامن‌ها/نشسته رو چمن‌ها

فوت، فوت به اجاق/آتش گرم نان داغ

گرد، گرد هندوانه/از جالیزها به خانه

دنگ، دنگ، دنگ زنگ/نه توپ نه تیر نه تفنگ

دنیا این جور هست قشنگ»

(35)

احترامی در داستان گربه من نازنازیه، به ایجاد بازی‌های زبانی از جمله جناس و تکرار نیز می‌پردازد. مهم‌ترین خصلت داستان‌های احترامی همین بازی‌های زبانی برای ایجاد طنز است.

«یک توپ داره رنگ و وارنگ/می‌زنه به شیشه دنگ و دنگ.

مشغول خواب و خور خوره /از جا تکنون نمی‌خوره»

در واقع بررسی نمونه‌های شعری حاکی از آن است که در اشعار عامیانه کودک، تکرار آزاد، تکرار صوتی و واج‌آرایی بالاترین بسامد را دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین نیز همخوانی دارد که اهمیت کاربرد هنرمندانه‌ی این آرایه‌ها را در تقویت موسیقی شعر کودک و نوجوان نشان داده‌اند بر این اساس به نظر می‌رسد شعر کودک و نوجوان، به عنوان گونه‌ای از ادبیات غنایی، نیازمند استفاده‌ی هوشمندانه از ابزارهای موسیقایی است تا بتواند توجه و احساسات مخاطبان خردسال را جلب کند. تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در اشعار عامیانه کودک و نوجوان، تکرار، جناس و واج‌آرایی مهم‌ترین ابزارهای ایجاد موسیقی درونی هستند. این یافته‌ها همراستا با نظریه‌های پیشین در حوزه‌ی زیبایی‌شناسی زبان ادبی است (1).

نقش تکرار در شعر کودک

تکرار، به عنوان یک تکنیک بنیادین، به شاعر این امکان را می‌دهد که ریتمی خوش‌آهنگ و جذاب برای مخاطب ایجاد کند. مطابق با نظر شمیسا (۱۳۷۵)، تکرار از ارکان اصلی زبان عاطفی و ادبی

است و در زبان عاطفی نه تنها عیب محسوب نمی‌شود، بلکه نشانه‌ی زیبایی کلام است (20). در اشعار کودک، این تکرارها معمولاً به دو صورت ظاهر می‌شوند: تکرار آزاد (تکرار واژگان یا عبارات بدون قید وزنی خاص) و تکرار صوتی (تکرار واج‌ها یا آواها). این نوع از تکرار علاوه بر تأکید بر مضمون، موجب تثبیت ریتم در ذهن کودک می‌شود و یادگیری را تسهیل می‌کند (11). نمونه‌هایی از این نوع تکرار در اشعار مورد بررسی به وضوح دیده می‌شود، مانند شعر «پسر دارم ملک جمشید / دختر دارم ملک خورشید» که تکرار واژگان «ملک» و «خورشید» موجب ایجاد نوعی آهنگینگی طبیعی شده است. این شگرد که در ترانه‌های لالایی سنتی نیز به کار رفته است (4)، باعث ایجاد ارتباط عاطفی قوی‌تر میان شعر و مخاطب می‌شود.

نقش جناس در تقویت موسیقی درونی

از دیگر شگردهای مؤثر در تولید موسیقی درونی، جناس است. جناس‌های تام، خطی، زاید و مکرر در اشعار کودک کاربرد گسترده‌ای دارند و علاوه بر خوش‌آهنگی، زمینه‌ی بازی‌های زبانی و ایجاد طنز را فراهم می‌آورند (13). برای نمونه، کاربرد واژه‌های «دست» و «دسته» در یک بیت کودکانه علاوه بر ایجاد آهنگینگی، باعث غنای معنایی شعر نیز شده است. همایی (۱۳۶۴) تأکید می‌کند که جناس به دلیل هم‌زمانی آوایی و تفاوت معنایی میان واژگان، یکی از زیباترین ابزارهای موسیقایی در شعر فارسی محسوب می‌شود. این ترفند در اشعار کودک به کار گرفته می‌شود تا علاوه بر خوش‌آهنگی، باعث تحریک قوه‌ی تخیل و خلاقیت زبانی کودک گردد. در واقع، جناس نه تنها یک آرایه‌ی زبانی است، بلکه ابزاری برای آموزش ظریف بازی با زبان به کودکان است (12).

اهمیت واج‌آرایی در ریتمیک‌سازی شعر کودک

واج‌آرایی نیز به عنوان یکی از مؤثرترین شیوه‌های تقویت موسیقی درونی در اشعار کودک شناخته می‌شود. به گفته‌ی شفیعی کدکنی

(۱۳۸۹)، هماهنگی اصوات در شعر فارسی از دیرباز مورد توجه شاعران بوده است و واج‌آرایی یکی از نمودهای بارز این هماهنگی است (۱). در اشعار بررسی‌شده، واج‌آرایی به شکلی گسترده مشاهده می‌شود. نمونه‌ی برجسته‌ی آن در شعری چون «دیدم که چک‌چک می‌چکد» (۳۰). دیده می‌شود که تکرار واج «چ» ریتمی نرم و ملایم ایجاد کرده و شعر را برای کودک خوشایند ساخته است. این شگرد، علاوه بر آهنگین کردن شعر، به یکپارچگی ساختاری آن نیز کمک می‌کند.

کارکرد زیبایی‌شناسی و آموزشی موسیقی درونی

کاربرد موسیقی درونی در شعر کودک، تنها به زیبایی ظاهری شعر محدود نمی‌شود، بلکه تأثیراتی عمیق بر ابعاد شناختی و عاطفی کودکان دارد. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که ریتم و آهنگ نقش مهمی در تقویت حافظه و درک مطلب کودکان دارند (۲). (۳۶)؛ بنابراین، حضور ساختارهای موسیقایی در شعر کودک به انتقال آسان‌تر مفاهیم و افزایش تأثیر عاطفی کمک می‌کند. همچنین، همان‌طور که فوناجی (۱۹۹۶) اشاره می‌کند، بازی‌های زبانی از جمله تکرار و جناس در صورتی که در جایگاه مناسب خود قرار گیرند، نه تنها موجب ایجاد طنز می‌شوند، بلکه باعث تحریک تفکر خلاق و مشارکت فعالانه‌ی کودکان در فرآیند یادگیری می‌شوند. در مجموع، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که شاعران کودک با بهره‌گیری آگاهانه از تکرار، جناس و واج‌آرایی، نه تنها به زیبایی ظاهری شعر افزوده‌اند، بلکه به تقویت کارکردهای شناختی، عاطفی و آموزشی شعر نیز پرداخته‌اند. این شگردها با ایجاد ریتم، خوش‌آهنگی و تحریک احساسات، زمینه‌ی ارتباط عمیق‌تر کودک با زبان و فرهنگ را فراهم ساخته‌اند. نتایج این تحقیق بر اهمیت توجه به موسیقی درونی در سرایش اشعار کودک و نوجوان و نیز در برنامه‌ریزی‌های آموزشی زبان تأکید می‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های این پژوهش نشان داد که موسیقی درونی نقش کلیدی در ساختاردهی به اشعار کودکان، ایجاد جذابیت شنیداری و ارتقاء بار آموزشی و عاطفی آن‌ها دارد. مهم‌ترین یافته پژوهش، تأکید بر تکرار آزاد و تکرار صوتی به عنوان شگردهایی برای ایجاد ریتم طبیعی و تقویت انسجام آوایی در شعر کودک بود. تکرار که در برخی مکاتب قدیم به عنوان عیب سخن محسوب می‌شد. در ادبیات کودک به ابزاری مؤثر برای ایجاد پیوند عاطفی و تثبیت مفاهیم در ذهن مخاطب تبدیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که واج‌آرایی نیز جایگاه برجسته‌ای در موسیقی درونی اشعار کودک دارد. تکرار آگاهانه‌ی واج‌های مشخص در واژگان شعری، ضمن ایجاد ریتم و آهنگ، باعث تمرکز ذهنی و لذت شنیداری کودک می‌شود. این امر به ویژه در اشعار کوتاه و ساده کودک که فاقد ساختارهای وزنی پیچیده هستند، اهمیت مضاعف دارد. جناس، در انواع مختلف خود، یکی دیگر از تکنیک‌های پرکاربرد در تولید موسیقی درونی به شمار می‌آید. شاعران با بهره‌گیری از شباهت‌های آوایی میان واژگان، به شعر عمق و لایه‌های معنایی افزوده‌اند. جناس تام، جناس خطی و جناس زاید، به ویژه در خلق بازی‌های زبانی و ایجاد طنز ملایم در شعرهای کودکان نقش مهمی ایفا کرده‌اند. این عناصر نه تنها جنبه‌ی زیبایی‌شناختی دارند، بلکه به رشد تفکر خلاق و مهارت‌های زبانی کودکان نیز یاری می‌رسانند. از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان داد که اعنات یا کاربرد آگاهانه‌ی کلمات و حروف افزوده، در اشعار کودکان بیشتر از آنکه به عنوان نقص زبانی تلقی شود، به خدمت ایجاد موسیقی درونی درآمده است. این شیوه، به گفته‌ی شفیعی کدکنی (۱۳۷۰) می‌تواند حس روانی و طنین دلنشین شعر را تقویت کند، به‌ویژه زمانی که همراه با تکرار و واج‌آرایی به کار رود. در کنار این شگردها، کارکرد موسیقی درونی تنها به بعد زیبایی‌شناسی محدود نمی‌شود. این پژوهش نشان داد که موسیقی درونی در اشعار کودک و نوجوان، ابزاری برای تقویت حافظه‌ی شنیداری، تسهیل یادگیری

مخاطبان خردسال بسیار جذاب است. نتیجه‌ی نهایی این پژوهش آن است که موسیقی درونی، ستون فقرات شعر کودک و نوجوان محسوب می‌شود. بدون بهره‌گیری هدفمند و هنرمندانه از شگردهای موسیقایی، شعر کودک نمی‌تواند رسالت خود را در جذب مخاطب، انتقال مفاهیم و برانگیختن احساسات به درستی انجام دهد؛ بنابراین، شناخت و استفاده‌ی هوشمندانه از آرایه‌های موسیقایی باید در اولویت سرایندگان شعر کودک قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Children's and adolescents' poetry, rooted in the lyrical tradition of Persian literature, performs a crucial function in the cultivation of imagination, emotional intelligence, and linguistic development. Among the many stylistic elements that characterize this genre, internal music—or the harmonic interplay of phonemes, words, and rhetorical devices within the body of the poem—stands as a defining aesthetic and pedagogical feature. Scholars such as Shafi'i Kadkani have long emphasized the vital role of phonetic coherence and repetition in enhancing poetic expression, particularly in texts designed for younger audiences (1). In this vein, the folk poems of children and adolescents are especially notable for their use of musical strategies such as free repetition, paronomasia (pun), alliteration, and assonance. These poetic techniques not only

زبان، تحریک تخیل و برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب است. تحلیل نمونه‌های شعری نشان می‌دهد که شاعران کودک معاصر، به طور آگاهانه از ظرفیت‌های موسیقایی زبان بهره گرفته‌اند. آن‌ها با انتخاب دقیق واژگان، چیدمان آگاهانه‌ی واج‌ها و استفاده‌ی ماهرانه از آرایه‌های زبانی، اشعاری خلق کرده‌اند که هم از نظر زیبایی‌شناختی غنی‌اند و هم نیازهای شناختی و عاطفی کودکان را برآورده می‌کنند. از نظر کمی، در اشعار بررسی شده، تکرار آزاد و تکرار صوتی بالاترین بسامد را داشتند و پس از آن واج‌آرایی و جناس در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. این توزیع بسامدی نشان می‌دهد که ریتم و خوش‌آهنگی بیش از هر چیز دیگری در سرایش شعر کودک مدنظر شاعران بوده است. علاوه بر این، استفاده از جناس و اعنات، به ایجاد نوعی بازی با زبان منجر شده که برای serve to create rhythmic and melodious compositions but also aid in the retention and internalization of meaning by young readers (2, 5). Given the heightened auditory sensitivity of children during early language acquisition stages, the function of internal music extends beyond aesthetics, playing a pivotal role in cognitive and affective engagement with literary texts. The present study, adopting a descriptive-analytical approach, investigates the forms and functions of internal music in Persian folk poetry for children, drawing on a purposive sample of contemporary verse that exemplifies these stylistic techniques. By systematically analyzing the presence and frequency of internal musical devices, this research seeks to articulate the dual role of such features in enhancing poetic beauty and fostering educational outcomes.

The theoretical underpinnings of this research are grounded in the fourfold categorization of poetic music: external, lateral, internal, and semantic. While external music (aruz or metrical structure) and lateral music (rhyme and refrain) are traditionally emphasized in Persian poetics, internal music, encompassing subtler phenomena such as phonetic repetition and rhetorical consonance, demands renewed attention in the context of children's literature (1). As argued by Mousavi Garmaroudi and others, internal music operates beneath the surface of the poetic line, orchestrating a linguistic symphony that resonates with the reader's auditory and emotional faculties (6). Key devices such as lexical repetition, phonemic alignment, and paronomasia function as tools to instill rhythm and facilitate memorization, thereby transforming poetic language into an instrument of both play and pedagogy (8). In particular, repetition—whether of syllables, words, or phrases—emerges as a salient element in the construction of poetic rhythm and thematic emphasis, often compensating for or supplementing more formal metrical constraints (7). The creative use of rhetorical figures such as jinas (paronomasia) and e'nat (phonetic amplification through superfluous but sonorous elements) further amplifies the poem's internal harmony. As evidenced by scholars like Homayi and Gorkani, such techniques reflect a nuanced understanding of the poetic medium and its capacity to engage children in multisensory experiences of

language (12, 13). Hence, internal music in children's folk poetry is not merely an embellishment but a structural necessity that aligns with the cognitive and emotional needs of its young audience.

The genre of folk poetry, or adab-e 'āmmeh, represents a unique intersection of literary art, oral tradition, and communal identity. It encompasses a vast repertoire of texts—ranging from lullabies and riddles to fables and ritual chants—that are transmitted across generations through repetition and imitation (16). In the context of children's literature, folk poetry assumes a didactic as well as an entertaining function, often embedding moral lessons and cultural motifs in rhythmically structured and sonically pleasing formats (17). This oral heritage, rich in linguistic play and musical form, offers a fertile ground for poetic creativity. Notably, the du-bayti (quatrain) form is a favorite in folk poetry due to its brevity, ease of memorization, and melodic structure (18). The present study draws upon these traditional forms, analyzing how poets have skillfully repurposed them in crafting contemporary verse for children. Themes such as family, nature, animals, and fantasy dominate the content, but it is the form—the rhythmic repetitions, melodic phrasings, and sound-rich word choices—that renders these texts both memorable and meaningful. The simple, colloquial diction found in these poems aligns with the linguistic register of children, while the underlying musical patterns enhance comprehension and affective resonance. As

Kalbaali notes, this symbiosis of form and function in folk poetry for children mirrors a broader pedagogical philosophy, where joy, beauty, and learning are inseparably intertwined (19).

The primary analytic focus of the study lies in identifying and categorizing the internal musical techniques that dominate children's folk poetry. Repetition is observed in various forms, including free repetition, phonetic reiteration, and structural recurrence. Examples such as "پسر دارم ملک جمشید / دختر دارم" "ملک خورشید" illustrate the frequent and deliberate use of lexical redundancy to establish rhythm and emphasize meaning. T.S. Eliot's assertion that no word is intrinsically poetic or prosaic, but derives its value from placement and context, is particularly relevant here (5). Such strategic placement fosters memorability and reinforces pedagogical intent. Paronomasia is similarly instrumental, with both complete and partial forms appearing in abundance. Examples such as "کج" and "کجج" or "دسته" and "دست" illustrate how minor phonetic shifts can create meaningful juxtapositions that are both humorous and instructive (28). Repetition of consonant and vowel sounds—known as alliteration and assonance respectively—further contributes to the internal harmony of the text. These techniques are not random but are often employed with poetic precision to maximize auditory pleasure and thematic coherence. As Lawrence notes, poetry is as

much an auditory as a visual experience, and phonemic patterns often serve as cues for emotional and cognitive interpretation (15). The repetition of specific consonants, such as "چ" in "چکچک میچکد," exemplifies how sound can guide sentiment and rhythm simultaneously (30).

A significant portion of the study is dedicated to explicating the role of these techniques in achieving both aesthetic and pedagogical goals. The findings demonstrate that internal music facilitates emotional connectivity, enhances linguistic sensitivity, and stimulates cognitive engagement in children. The musicality of the verse, achieved through repetition and sound play, transforms abstract meanings into tangible auditory experiences. This transformation supports memorization and concept reinforcement, key objectives in early childhood education. The use of e'nat, or poetic excess, though traditionally viewed as a rhetorical flaw, is reinterpreted in this context as a means of enhancing rhythmic fluidity and emotional depth (10). Such elements, when employed judiciously, offer a rich tapestry of sound and sense that captivates young readers and listeners. The study aligns with earlier works that underscore the multifaceted function of internal music, from enhancing aesthetic appeal to fostering moral and social learning (4). By drawing on examples from a diverse range of poets, including canonical figures and contemporary innovators, the study presents a comprehensive overview of

how internal music operates within the ecosystem of children's literature. The integration of theoretical frameworks with practical analysis provides a nuanced understanding of the symbiotic relationship between sound and meaning in poetic expression for young audiences.

In conclusion, the extended investigation presented in this study affirms that internal music serves as both an artistic and educational cornerstone in children's folk poetry. Through the systematic deployment of repetition, paronomasia, alliteration, and e'nat, poets create works that are not only sonically pleasing but cognitively stimulating and emotionally resonant. These techniques are not ornamental; they are foundational to the function of the poem as a medium of communication, imagination, and instruction. The rhythmic cadence born of phonetic patterns aids in retention, the playfulness of puns and word games fosters creativity, and the melodic harmony of repeated sounds cultivates a deep emotional bond with language. In embracing these techniques, children's poets fulfill a dual mission: they entertain and they educate. The present study contributes to the broader field of literary aesthetics and pedagogy by reaffirming the indispensability of internal music in the formation of effective and enchanting verse for children and adolescents. This research thus invites poets, educators, and scholars alike to revisit the poetic archive with a renewed ear

for the internal melodies that animate the literary imagination of the young.

References

1. Shafi'i Kadkani MR. The Music of Poetry. Tehran: Agah Publications; 2010.
2. Rouzbeh M. Contemporary Iranian Literature (Poetry). Tehran: Roozegar Publications; 2002.
3. Moradi N. Reference Studies. Tehran: Contemporary Culture Publications; 1997.
4. Aryanpour Y. From Saba to Nima. Tehran: Zavar Publications; 2000.
5. Shafi'i Kadkani MR. The Music of Poetry. Tehran: Agah Publications; 1991.
6. Mousavi Garmaroudi SM. Children's Poetry from the Beginning to Today. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2004.
7. Vahidiyan Kamyar T. Meter and Rhyme in Persian Poetry. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 1997.
8. Jamali S. Repetition as the Basis of Music in Poetry. Kayhan Farhangi. 2004(216):60-6ER -.
9. Shafi'i-Tabar F, Modarres-Zadeh A. Aesthetic Analysis of Inner Music in the Poetic Compositions of Monzavi. Literary Aesthetics Journal. 2018;9(37):167-92.
10. Motahedin Z. Repetition: Its Phonetic and Rhetorical Value. Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Mashhad. 1975(43):483-530.
11. Vahidiyan Kamyar T. Badi' from an Aesthetic Perspective. Tehran: Doostan Publications; 2000.
12. Homayi Ja-D. The Art of Rhetoric and Literary Techniques. Tehran: Tous Publications; 1985.
13. Gorkani MHSa-O, Hossein J. Ebdā' al-Badāye'. Tabriz: Ehraz Publications; 1998.
14. Dehrami M. Compound Formation in the Poetry of Qeyzar Aminpour and Its Artistic Roles. Quarterly Journal of Literary and Rhetorical Research. 2014;3(9):65-101.
15. Lawrence P. On Poetry. Tehran: Ettelaat Publications; 1997.
16. Anjavi Shirazi SA, Mahin Sedaghat P. Jan Arit (Folk Culture, Literary Research, Anthropology). Tehran: Farzan Publications; 2002.
17. Razmjoo H. Literary Genres and Their Works. Mashhad: Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute; 1995.
18. Mirsadeghi M. Glossary of Poetic Art (A Detailed Dictionary of Poetry Techniques, Styles, and Schools). Tehran 2006.
19. Kalbaali M, editor Folk Literature in Children's Poetry 2023; Hamedan.

20. Shamisa C. Badi' (Rhetorical Devices). Tehran: Mitra Publications; 1996.
21. Shamisa C. A Fresh Look at Badi'. Tehran: Mitra Publications; 2007.
22. Shamlu A. The Collected Poems of Shamlu. Tehran: Negah Publications; 2021.
23. Shabani A. The Festival of Sprouts. Tehran: Borhan Cultural Institute; 2005.
24. Ahmadi H. The Green Voice. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 2015.
25. Norouzi J. The Ornaments of Speech and Types of Persian Poetry. Firouzabad: Islamic Azad University, Firouzabad Branch; 1993.
26. Kianoush M. The Garden of Stars. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 1991.
27. Shabani A. The Harvest of Children's Poetry. Tehran: Toka Publications; 2012.
28. Salajegheh P. From This Eastern Garden. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 2006.
29. Shabannejad A. A Bowl of Dew. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 2007.
30. Shabannejad A. The Sparrows' Festival. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 1995.
31. Najaf Qoli M. Darreh Najafi on Prosody, Rhetoric, and Rhyme. Tehran: Foroughi Publications; 1983.
32. Shabani A. The Children's Rainbow. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 2015.
33. Kianoush M. The Children of the World. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 2014.
34. Shabani A. Together We Are. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 1987.
35. Parizangeneh P. On the Wings of Kites. Tehran: Gali Publications; 2014.
36. Lawrence P. Poetry and Its Elements. Tehran: Rahnama Publications; 2000.